



# آموزش خصوصی،

مثل اسپند روی آتش از جا جهید و گفت: «خانوم، چهره شما به آدمهای فرهیخته می‌ماند. این چه حرفی است؟ مگر می‌شود؟ فرهنگتان به گفتن این جمله نمی‌خورد. من روانکاووم. اگر شما را آدم لایقی نمی‌دیدم خیلی راحت می‌گفتم جا نداریم. این چه حرفی است؟» کار داشت به جاهای باریک می‌کشید. خواستم شرح بدهم که فقط سؤال کرده‌ام اما پیرمرد نگذاشت و ادامه داد: «من ۴۰ سال است که گواهی آموزشگاه موسیقی دارم. حاضر نیستم به دروغ بگویم که طی یکماه یا ۲۰ جلسه یا ...

به‌طور تضمینی ساز زدن یاد می‌گیری. می‌گویم ۴ سال باید بیایی. مهم هم نیست که می‌آیی یا می‌روی جای دیگر. من درست و اصولی کار می‌کنم.» می‌خواهم نظراتش را درباره آموزش موسیقی، به‌طور تضمینی بگویم تا در مقام منعکس کنیم. حاضر نمی‌شود. هنوز از دست من دلخور است. می‌گوید: «من به وزیر گفته‌ام به جایی نرسیدما می‌گوید جلوی آگهی‌ها را نمی‌شود گرفت.

جوان‌ها هم بیکارند. این طوری کار و کاسبی زیادی می‌شود. انعکاس اینها در مقام که نتیجه‌ای ندارد!» دلم می‌خواست به پیرمرد حرف دکتر شریعتی را یادآوری کنم که ما مأمور به وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه، اما قبل از اینکه پیرمرد دنباله حرفهایش را بگیرد، از آموزشگاه آدمم بیرون. این آدم با اخلاق و کمیاب ناصر مشوف رئیس آموزشگاه موسیقی ماندانا بود.

\*\*\*

میدان تجریش، یکی از پاساژهای تقریباً خلوت. نرخ، ساعتی ۲۵۰۰ تومان است. اما برای ۸ جلسه، ۲۰ هزار تومان را اول دریافت می‌کنند مبادا که هنرجو پس از جلسات اول برود و پشت‌سرش را نگاه نکند. خبری هم از رایگان بودن جلسه اول نیست. نام رئیس آموزشگاه برای موسیقی دوستان آشناست و خوب می‌شود از قبل اسم او نان خورد، چرا که نه؟ فقط غیرتی به خرج داده‌اند و نام رئیس آموزشگاه را با آموزش موسیقی تضمینی لکه‌دار نکرده‌اند.

\*\*\*

نرخ آموزش موسیقی در آموزشگاهها ۲۰۰۰ تومان و در منزل ۲۵۰۰ تومان است. اینجا نرخ در آموزشگاه ۱۲۰۰ تومان و در منزل ۱۸۰۰ تومان است. چه اختلاف شاخصی! می‌گویند که برای تضمین، حتماً ۳۵ جلسه بیایید. راجع به نوع و نحوه تضمینی بودن می‌پرسم، می‌گوید که شما قول بدهید یک ساعت در منزل تمرین کنید، من قول می‌دهم اساتید ما شما را در نت‌خوانی و نواختن آهنگ‌ها استاد کنند جوری که خودتان بفهمید نسبت به بقیه متفاوت هستید! خنده‌ام می‌گیرد. می‌پرسم: «آقا! نسبت به کی؟ نسبت به کسی که تابحال ویلن نزده یا استاد صبا؟» جواب درست و حسابی ندارد که بدهد.

برای خیلی از ما پیش آمده که قصد آموختن موسیقی داشته‌ایم. از کسی درباره آموزشگاه معتبری سؤال کرده‌ایم. به آگهی‌های روزنامه مراجعه کرده‌ایم. میالقی خرج کرده‌ایم. وقت صرف کرده‌ایم و در آخر وقتی خود را با یکی از هنرجویان همان ساز مقایسه کرده‌ایم، دریافته‌ایم که چه وضع اسفباری داریم

....

حتی اگر خودمان هم قهرمان این داستان نباشیم آدمهای بسیاری را می‌شناسیم که قهرمان این تراژدی بوده یا هستند. توی این شهر درندشت که همه کار می‌شود کرد. کار خیلی‌ها هم این است که به مردم ساز زدن یاد بدهند و ظاهراً برای هیچ‌کس تفاوتی ندارد که این معلم خودش چقدر معلومات و صلاحیت آموزش دادن را دارد.

یک روز خیلی عادی شیطانم گل کرد و خواستم گزارشی راجع به وضع آموزش موسیقی تهیه کنم. با اشاره به این نکته که ما قصد توهین به هیچ‌جا و هیچ‌کس را نداریم. امیدوارم ماحصل این گزارش برای هنرجویان موسیقی راهگشا و برای مسئولان هشداردهنده باشد.

\*\*\*

بالتر از میدان ولیعصر پس از یک عالمه پله به آموزشگاه می‌رسیم.

صدای مضراب‌زدن یک گیتاریست به گوش می‌رسد. آموزشگاه شامل چند اتاق است که در هر یک مربی‌ای مشغول تعلیم شاگردش است. هنر جوان بعدی ساز به دست بیرون در منتظر نشسته‌اند. مرد مسنی از یکی از اتاقها بیرون می‌آید و با دیدن چهره

غریبه من می‌پرسد که چه کمکی از او ساخته است. پشت میز می‌نشیند و در جواب من که شرایط کلاس سه تار را سؤال کرده‌ام، می‌پرسد که آیا تا به حال سه تار کار کرده‌ام یا نه. پس از پاسخ مثبت من چهره‌اش متفکرانه می‌شود و می‌پرسد که کجا و نزد کدام استاد؟ جای معتبر و استاد مشهوری را نام می‌برم.

پیرمرد می‌پرسد که چرا آنجا ادامه نداده‌ام؟ سؤال منطقی است و البته من جوابی برای این حرفش ندارم. می‌گویم ساعت کلاس‌ها یا شرایط من جور در نمی‌آید. از جواب فی‌البناهه، خنده‌ام می‌گیرد. پیرمرد می‌گوید که افرادی را می‌پذیرند که تا بحال ساز کار نکرده باشند اما چون من نزد استاد معتبری سه تار آموخته‌ام حاضر است مرا بپذیرد. شماره حساب بانکی و مدارک لازم را گفت و منتظر بود که بروم.

پرسیدم: به‌طور تضمینی ... جمله‌ام را ناتمام گذاشت.

## ● موسیقی

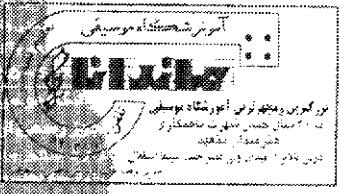
تضمینی یعنی

اینکه بتوانید

صدای ساز را در

بیابید!

# نیمه خصوصی و تضمینی!



مکان، میدان شهداست.

\*\*\*

انتخاب یک آگهی عجیب به قید قرعه، آموزشگاه نیست، اسم هم ندارد. تنها ۲ شماره تلفن درج شده و اینکه نی را تضمینی...

مرد راجع به آموزش نی حرف می‌زند. و من از نحوه تضمینی بودن سوال می‌کنم.

- یعنی اینکه به نتیجه برسید.

- به نتیجه رسیدن یعنی چه جوری نواختن؟

● باید رشته‌ای از عالم - یعنی بتوانید صدای نی را در بیابید.

بالا در جان هنرمند - این را که همین الان هم نرفته باشند تا او با بلد!

تمرین بتوانند هنر بالقوه - خوب یعنی اینکه بتوانید چند را بالفعل کند. آهنگ بنوازید و روی غلتک بیفتید.

مرد نام استاد نی را تبلیغ می‌کند. راست هم می‌گوید. آن

مرد از سرآمدان روزگار در نی‌نوازی است نشانی‌اش را می‌پرسم. اما آیا واقعاً نوای نی چوپان را می‌توان تضمینی آموخت؟

خیابان شریعی، خیابان بهار شیراز ...

\*\*\*

بحث آموزشگاه‌های خصوصی نیست. مسأله یک مکان دولتی است. یک فرهنگسرا که مدرک هم می‌دهد.

- برای کودکان خواننده مدرک صادر می‌کنیم. برای نوازندگان بزرگسال هم همین‌طور. نوشنیه‌ها ۲-۴ مشاوره رایگان داریم.

تشریف بیاورید تا مشاوران ما تشخیص بدهند تا شما برای نواختن کدام ساز مناسب‌ترید. اگر ۲ ترم آموزش ببینید

مدرک آموزشگاه‌ها را می‌گیرید و برای گرفتن مدرک وزارت ارشاد ۳ ترم باید کلاس بیابید. شهریه هر ترم ۳۷۵۰۰ تومان است. حتماً ۲ شنبه تشریف بیاورید! در خدمتان هستیم.

- حتماً خدمت می‌رسم.

باید بروم ببینم که مشاور محترم مرا برای نواختن کدام ساز مناسب تشخیص می‌دهد! اما اگر واقعاً من استعداد ذاتی

نواختن پیانو را داشته باشم و مشاور مرا برای نواختن گیتار مناسب بداند باید گیتاریست بشوم؟ و کدام مشاور محترمی

به محمدرضا لطفی پیشنهاد کرده بود که سه‌تار بزنند و به حسین تهرانی پیشنهاد نواختن ضرب داده بود؟ آیا هنگام آن نرسیده که در زمان گفت‌وگوی تمن‌ها از گفتن لاطاللات دست برداریم؟

\*\*\*

در خیابان جمالزاده، آموزش موسیقی تضمینی در ۲۵ جلسه با شهریه‌ای حدود ۵۰ هزار تومان میسر است. گواهی هم می‌دهند، اما خودمانیم همین دادن مدرک و گواهینامه در

مملکت بوروکراسی، خیلی مشتری جذب کن است، نیست؟

\*\*\*

یک شماره تلفن همراه و یک نام. از همان آگهی‌های

عجیب!

این مرد معجزه‌گر در ۱۰ جلسه به‌طور تضمینی پیانو و ارگ یاد

می‌دهد! بشتابید که طی ۱۰

جلسه به حد کتاب «ریچارد کلایدرمن» می‌رسید و از آن تیز می‌گذرید! همچنین از حد کتاب «گلچین موسیقی ملی

ایران». مرد ساحر برای هر جلسه آموزش خصوصی ۴۰۰۰ تومان می‌گیرد و می‌افزاید: «رأثه پول اجباری نیست هر

جلسه که رضایت داشتید، پول را بپردازید.» او در مورد زمان کلاس‌ها می‌افزاید: «زمان معنی ندارد. تا زمانی که هنرجو

درس را کاملاً فرا بگیرد. این زمان ممکن است از نیم‌ساعت تا دو ساعت متغیر باشد.»

او در جواب سوال من درباره صحیح یا اشتباه بودن آموزش تضمینی موسیقی گفت: «کسی که بی‌استعداد باشد

به موسیقی علاقمند نمی‌شود. علاقمند کم استعداد هم طی این مدت می‌تواند با تمرین درس‌ها را فرا بگیرد. آموزش

تضمینی موسیقی هم مثل آموزش تضمینی سایر علوم است، چرا نمی‌شود؟»

نمی‌دانم مرد نمی‌دانست یا فراموش کرده بود که موسیقی علم نیست و با ضرب و زور آموخته نمی‌شود.

\*\*\*

عده‌ای از دانشجویان موسیقی دور هم جمع شده‌اند و هر یک با نرخ معمولی ساز تخصصی خود را به هنرجویان

می‌آموزد. نکات قابل بررسی این است که آیا روش آموزش به همه افراد یکسان است؟ و دیگر اینکه آیا به صرف اینکه

کسی دانشجوی موسیقی است صلاحیت آموزش دادن موسیقی را هم دارد؟

در صورت صحت نکته دوم باید شادمان بود. چرا که می‌توان از دانشجویان مهندسی عمران تقاضای ساختن برج کرد و

از دانشجویان پزشکی تقاضای درمان قطعی بیمار و نیز از دانشجویان رشته‌های دیگر...

موسیقی هنری است مثل بقیه هنرها که حتماً باید رشته‌ای از عالم بالا در جان هنرمند نهفته باشد تا او با تمرین بتواند

هنر بالقوه را بالفعل کند. چنانچه هر کس بخواهد شعر بگوید می‌تواند با تمرین اوزان و بحر و عروض و پشت

سرهم نشانند کلمات و ردیف و قافیه شعر بگوید. اینها اشعاری هستند که اغلب در صفحات روزنامه‌ها و مجلات

می‌بینیم اما شعر واقعی آن است که خود به نزد شاعر بیاید نه اینکه شاعر به زور او را خلق کند. شعر واقعی مثل وحی

است و به شاعر الهام می‌شود. حالا باید صبر کرد و دید این مریبان موسیقی تا چه حد می‌توانند خرق عادت کنند و

موسیقی دوستان را موسیقی دان کنند؟!



